



# انسانهای سفید پوست

چه وقت پیدا شدند؟ (۱)

ترجمه عبد الغفور خان مفتش

بیست هزار سال پیشتر از امروز در اروپا طائفه سفید پوستی ظهور نمود که موسوم به جنس «کرومائیونی» است در آنوقت سرزمین اروپا مسکن چنان یک طائفه از افراد بشر بود که از انسان بحیوان بیشتر شباهت داشته و بطائفه Neanderthal معروف بود. قرار معلوم انسانهای فیاندر تالی مذکور آنروز در اوائل ادوار نشوء حیات بسر میآورد یعنی بحیوان بیشتر شبیه بود. زدو خورد بین طائفه مذکور و جنس کرومائیونی بمتابعت و مقتضای قانون بقای افضل بغلبه جنس کرومائیونی منجر گردید.

سرار ترکیث میگوید بزرگترین مهاجرنی که در تاریخ انسانی بوقوع پیوسته

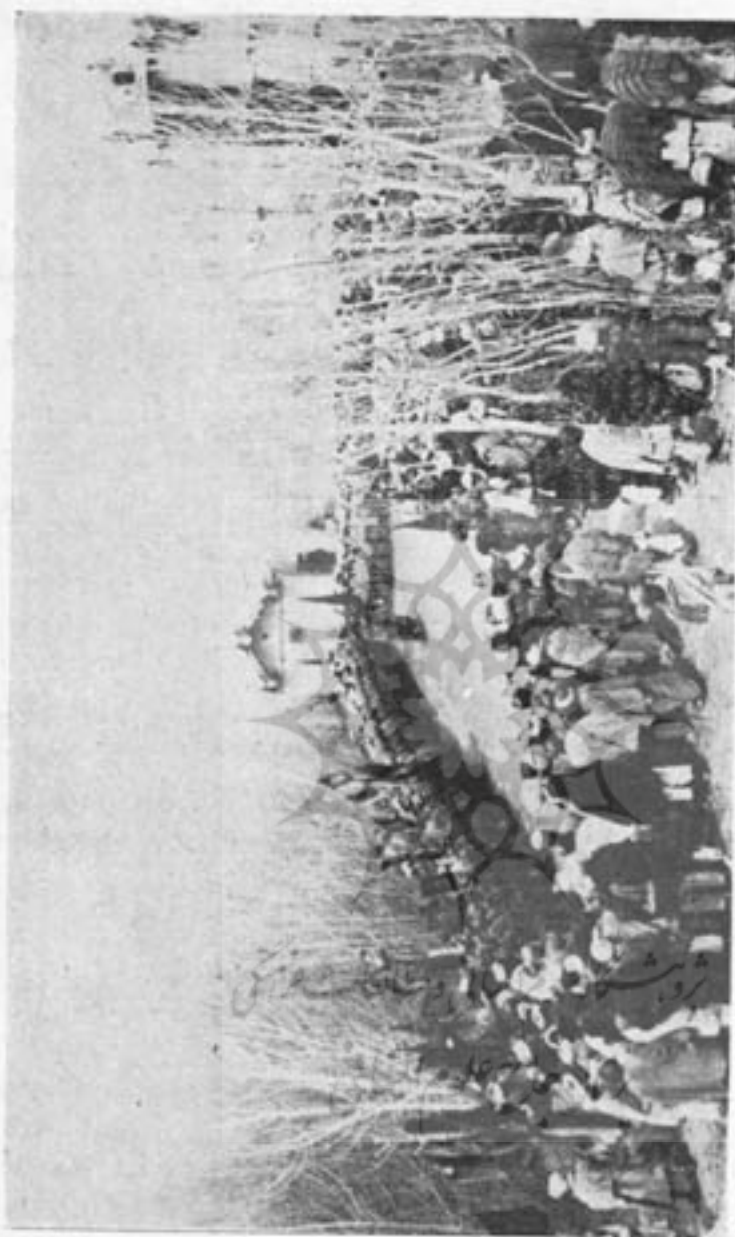
(۱) انسانهای سفید از کجا آمده و اولاد کجا ظهور نمودند؟

درین مقاله که خلاصه یک بحث طولانی سرار ترکیث است جواب سوالهای مذکور داده شده هر گاه درینمورد یاددهانی شود که سرار ترکیث از بزرگترین دانشمندان این عصر دارای عهده ریاست مجمع تقدم علوم بریطانیا بود البته ظاهر خواهد شد که افکار و نظریات او، تاچه اندازه قابل مطالعه و اعتبار است.

عبارت از مهاجرت طوائف اروپائی جانب قاره آمریکا و استعمار آن در اواخر قرن پانزدهم و اثنای قرن شانزدهم میلادی است که پس از آن مهاجرت بسوی استراليا در درجه دوم قرار یافته چنانچه تا هنوز اروپائی در صدد است بقیه الباقیه ساکنین اصلی و بومیان آن بر اعظم را که از ده هزار سال باینطرف در سرزمین مذکور زندگانی دارند از بین بردارد.

حاجت بیان نیست که اغلب مورخین حوادث مهاجرت های بشری را از نقطه نظر اقتصادی تتبع و تدوین مینمایند و از جنبه نشوء و ارتقا کمتر بحث بمیان می آورند. حال آنکه هر مهاجرت بشری بمنزله مرحله جدیدی از مراحل نشوء یا خانمه يك تجربه و آغاز تجربه دیگر است. موقعیکه کولمبس واصل امریکا گردید مثلاً بر دمانی ملاقی شد که معلوم میشود از شرق آسیا آمده و در آنجا ما و گرفته اند. به تعقیب سفر کولمبس طوائف اروپائی مانند سیل طوفانی جانب دنیای جدید بمرکت افتاده و با ساکنین اصلی آن داخل صحنه تنازع گردیدند. نتیجه تجربه مذکور - یا این تنازع بصورت بقای افضل منجر گشت و این طائفه نو وارد در سایه امتیازات عوامل بقاء و حیات نمو و تکاثر سریع نمود، عوامل اسباب مذکور فوق از مصادر مختلفی نشأت گرفته بود چه طائفه ئیکه امریکارا تازه ماوای خود اتحاد نمود، از نقاط مختلفی عزیمت کرده و در سرزمین مذکور باهم اجتماع نمود.

هرگاه تاریخ مهاجرت های بزرگ را بغور ملاحظه نماییم دیده میشود که طبیعت برای اتمام و انجام بخشیدن مراحل معینی از تاریخ نشوء انسانی آنرا بکار برده است. گرچه امریکای شمالی هنگامیکه کولمبس بر اعظم مذکور را کشف نمود یکجزء از قاره



افتتاح مکتب متوسطه لوکر

آسیا بود لاکن سا کئین امروزه آن از اصل اروپائی است چنانچه اهالی استرلیا امروز نیز از جنس سفیدی میباشند که قطعه مذکور را استعمار و بحکم قانون بقای افضل آنرا تصرف نموده است .

ما معتقد هستیم که اروپا از زمان بسیار قدیم باین طرف موطن و هواوی سفید پوستان است . ولی حقیقت این امر تنها درین اوا خربها مکشوف گردید چه از اکتشافات



تاریخی که تازه بعمل آمده است بثبوت پیوست که نظیر واقعه مهاجرت قرون جدید امریکو استر لیا بیست هزار سال بیشتر ازین درارویانیز بعمل آمده است چه جنس سفیدیکه را جمع بآن دربالا اشاره شد و در نزد علما بنام طائفه کرو ما نیونی معروف است وارد این سرزمین گردیده باستیلا و تصرف بلادی که مسکن طائفه نیاندرتالی بود آغاز نمود در بین هر دو طائفه مذکور دو خورد شدیدی مدت طولانی دوام یافته بالاخره بغلبه طائفه جدید بر جنس قدیم منجر گردید و این بزرگترین فتحی بود که عرق ایض از ابتدای خلعت خود تا آن زمان بدست آورده است.

### حقیقت چگونه ظاهر شد؟

اکنون باید طریقه را که بذریعه آن حقیقت هویدا گردید و حوادثی را که بکشف آن رسیده شد تحت نظر و ملاحظه قرار دهیم: حوادث مذکور در سنه ۱۸۵۷ م بوقوع آغاز نمود چه بعضی از الهانها بکنار دریای و این بزرگ غاریکه عهد آن بعصر نیاندرتالی تعلق میگیرد بکده استخوانها را بدست آوردند. موقعیکه استخوانهای مذکور برای دکتور شافهوزن دانشمند الهان تقدیم گردید نامبرده خیال نمود که استخوان های مذکور اجزای اسکلت یکمرد از افراد همان جنسی است که درازمنه گذشته اروپارا ماوای خود قرار داده بود. فیرشوف گمان نمود که استخوانهای مکشوفه از اجزای استخوان بندی وجود یکنفر مرد از طبقه جنس حاضره انسانی میباشد ولی صاحب آن بد شکل بوده است. علامه هلسکی دانشمند انگلیس نظر بدیگران فکری بحقیقت قرین اظهار نموده گفت این استخوانها اجزای اسکلت یکنفر مردیست که طائفه آن بجنس ساکنین اصلی استر لیا قریب دیده میشود. شاید یگانه عالمیکه در آنروز حقیقت استخوانهای مذکور را ادراک نموده

توانست همانا پرو فیسور کنج خواهد بود چه او بعد از ملاحظه لازم اظهار نمود که استخوانهای مکشوفه فوق‌الذکر استخوان جنسی از بشر است که جداً با بوزینگان دارای شباهت میباشد و در آنوقت بخاطر هیچ کسی خطور ننمود که انکشاف استخوانهای مذکور برهان قاطعی است. برینکه اروپا در اعصار ماضیه مسکن طائفه از افراد بشر بود که امروز بنام جنس نیاندرتالی معروف است.

فی‌الواقع هنوز از انکشاف استخوانهای مذکور مدت طولانی نگذشته بود که علماء در اکثر نقاط فرانسه، بلجیک، اسپانیا و الهانیا و کروائیا بکشف امثال آن موفق گردیدند. همچنین بعد از حرب عمومی گذشته در فلسطین و جزیره نمای کریم نیز نظیر استخوانهای مذکور بدست افتاد. در سنه ۱۹۳۰ میلادی در ایتالیا هم امثال استخوانهای فوق‌الذکر در قریب شهر روما دستیاب کرده شد و بدینوسیله ثابت گردید که جنس نیاندرتالی در اروپا و بعضی جهات شرق امرار حیات مینمودند.

شش گاه علوم انسانی و مطالعات فریبگی

امروزه بقایای ژئولوژیکی <sup>تالی جامع علوم انسانی</sup> دلیل میگردد که جنس نیاندرتالی مذکور سیادت خود را در اروپا حفاظت نموده توانست و موقعیکه جنس دیگری از افراد انسانی وارد اروپا شده آنرا مسکن و ماوای خود قرار داد. جنس نیاندرتالی فاقد سیادت سابقه گردید. آثار طائفه جدید از قبیل استخوانها و ادوات سنگی و بقایای سائر از آثار نیاندرتالی تماماً دارای اختلاف و متعلق بزمان متأخرتر است.

اینجا سوال ایراد خواهد شد: «از چه دانسته شود که جنس سفید جدید (یعنی طائفه کرومانیونی سابق الذکر) بیست هزار سال بیشتر ازین جانب امریکا مهاجرت اختیار نموده در آنجا سکونت اختیار کرد. و نسل نیاندرتالی را خاتمه داد»

جواب این سوال را علمای ژبولوژی چنین ایراد نموده اند: جنس نیاندر تالی در اروپا قبل از عصر جمودیت آخرین سکونت داشت - چنانچه متروکات و بقایای دستیاب شده جنس مذکور برین مدعا گواهی میدهد - پس از آن عصر جمودیت فرار سید در اثنای عصر مذکور طائفه کرومائیونی ظهور نموده سیلاب مهاجرت آن باروپا سرازیر گردید و جنس اول بمتابعت قانون بقایای افضل تدریجاً انقراض یافت بلا فاصله کرومائیونها اقتدار خود را در تمام اروپا پهن نمودند . راجع باین امر که طائفه مذکور با جنس نیاندر تالی بطریق ازدواج امتزاج نموده باشد هیچ يك برهانی در دست نیست ولی احتمال دارد و یگان یگان حوادث فردی ازین قبیل بوقوع پیوسته باشد .

علمای ژبولوژی که در این جمله جمعیتی از علمای سنگ‌نگار بنویا نیز شامل است راجع به تاریخ عصر جمودیت تهافت عمیقی نمودند و در نتیجه بصورتی که درینجا ضیق مقام بشرح آن مساعد نیست باثبات رسانیده اند که دوره یا عصر مذکور دوازده هزار سال پیشتر از امروز خاتمه پذیرفته است باثر تفحص آثار این طائفه و طبقات زمینی که در غارها تشکیل کرده است معلوم میشود که موقع اختتام عصر جمودیت از اروپا کرومائیونها تقریباً هشت هزار سال در آنجا حیات بسر آورده بودند و این خود برای ما دلیل میگردد که مهاجرت ایشان تقریباً بیست هزار سال قبل آغاز گردیده است ، چنانچه راجع بصحت تعیین مدت مذکور جمهور علمای این عصر نیز تسلیم مینمایند .



## آثار نیل و فیوم

آیا جنس کرومانی از کجا آمد؟

طائفه مذکور چنانچه قبلاً بیان نمودیم دارای بشره سفید و از جنس نیاندر تالی خیلی بلند بود. علما راجع بموضع پیدایش ایشان اختلاف دارند بعضی باین عقیده طرفدار است که طائفه مذکور اصلاً از افریقا آمده اند و بعضی چنین اظهار مینمایند که از آسیا حرکت نموده، نویسنده این مقاله شخصاً از طرفداران دسته اول است. خلاصه دلیل فریق اولین که برای صحت ادعای خود ایراد مینماید قرار ذیل است: - در اثنای عصر جمودیت - یعنی در آنوقت که اروپا با طبقه یخ پوشیده بود - صحرای افریقا اقلیم معتدلی را تشکیل داده و طائفه انسانهای سفید پوست در آن سکونت داشت چنانچه صحرای مذکور را آثار و بقایای و اژدات سنگی ایشان که در طبقات زیر خاک بکثرت وجود دارند معلوم است. در سال ۱۹۳۰ میلادی دونفر از علمای انگلیس (سند فورد - و - اریکل) بخواهش و مصارف حکومت مصر در صحرای افریقا بحفاری و تجسس اقدام نموده و بالاخره در نقاط مختلفه وادی نیل چنان ادوات و اسبابهای سنگی بدست ایشان افتاد که عیناً نظیر آنرا علمای متجسس در وادی تایمز و سین دستیاب نموده بودند و آن عبارت از ادواتی است که بطائفه کرومانیونی نسبت داده میشود - بر علاوه سند فورد و اریکل مذکور در نقاط مختلفه صحرای لیبیا و جهات مجاور فیوم مخصوصاً در قریب بحیره قارون از بن قبیل ادوات بکثرت پیدا کرده و چنان آثار و علائمی بدست آورده اند که ثابت مینماید: بر اعظم اروپا هنگامیکه میگویند جنس کرومانی بمهاجرت سوی اروپا آغاز نمود

شروع کرد بخشك شدن. و باثر آن چنین اخذ نتیجه و استنباط کرده اند که جنس مذکور اصلا از افریقا آمده و اسباب مهاجرت ایشان عبارت از خشك سالی و سختی بود که در همان اعصار ماضی بآن دچار گردیدند.

این بود خلاصه برهان و دلیل فریقی که آنرا تمسك گرفته و ادعا دارد که جنس کروما نیونی اصلا از افریقا بوده است طرفداران این نظر به این نکته را نیز اظهار مینمایند که طائفه مذکور از آن راه خشکه که در آن وقت ایتالیا را بقونس والجزائر وصل داده بود از افریقا عزیمت نموده و وارد اروپا گردیده است و امروز از خشکه مذکور بجز جزیره مالتا و سلسله دیگری باقی نمانده و بحرتهای برزخ مذکور را غایب نموده است.

« باقی دارد »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

